



پیش‌ها و پانچ‌ها

پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر منصوب‌ها شیخ خیرالدين حفظه الله تعالى

موضوع:

مقدمات؛ حجت؛ کتاب خداوند؛ تفسیر قرآن؛ تفسیر برخی آیات قرآن

بسم الله الرحمن الرحيم

پرسش

نویسنده: بنت الهدی

تاریخ: ۱۳۹۵/۷/۱۸

با توجه به آیه ۱۱ سوره تغابن، نظر جناب علامه منصور هاشمی خراسانی در مورد چشم زخم چیست و راه مقابله با آن را بیان کنید.

پاسخ

تاریخ: ۱۳۹۵/۷/۲۲

«چشم زخم» به معنای ضرر رساندن به دیگری با نگرستن به سوی او از روی حسد یا إعجاب، عقلاً و شرعاً ممکن است؛ عقلاً به دلیل اینکه وجهی برای استحاله‌ی آن وجود ندارد و ضرر رساندن به دیگری از طرق غیر عادی مانند سحر با تجربه ثابت شده و شایع است و چه بسا برای آن توضیحاتی علمی وجود دارد، مانند اینکه انرژی منفی ناشی از حسد یا إعجاب، می‌تواند بر روی ماده اثر منفی بگذارد و شرعاً به دلیل اینکه خداوند در کتاب خود فرموده است: ﴿وَإِنْ يَكَادُ الَّذِينَ كَفَرُوا لَيُزْلِقُونَكَ بِأَبْصَارِهِمْ لَمَّا سَمِعُوا الذِّكْرَ وَيَقُولُونَ إِنَّهُ لَمَجْنُونٌ﴾؛ «و نزدیک است کسانی که کافر شدند تو را با چشم‌های خود بیندازند هنگامی که قرآن را می‌شنوند و می‌گویند که او دیوانه است» و روایات رسیده از پیامبر با این مضمون که «الْعَيْنُ حَقٌّ»؛ «چشم زخم حق است»، تواتر معنوی، بلکه لفظی دارند^۱. البته روشن است که این ضرر رساندن به دیگری با نگرستن به سوی او از روی حسد یا إعجاب مانند ضرر رساندن به او از طرق دیگر، با آیه‌ی ۱۱ سوره‌ی تغابن منافاتی ندارد؛ زیرا در این آیه آمده است: ﴿مَا أَصَابَ مِنْ مُصِيبَةٍ إِلَّا بِإِذْنِ اللَّهِ﴾؛ «هیچ مصیبتی نمی‌رسد مگر با اذن خداوند» و «چشم زخم» نیز مصیبتی

۱. القلم/ ۵۱

۲. نگاه کنید به: صحیفة همام بن منبه، ص ۴۳؛ مصنف عبد الرزاق، ج ۱۱، ص ۱۷ باب الرقی و العین و النفث؛ مصنف ابن أبی شیبة، ج ۵، ص ۴۴۷؛ مسند أحمد، ج ۱، ص ۲۹۴، ج ۲، ص ۲۲۲، ج ۳، ص ۴۴۷، ج ۴، ص ۶۷، ج ۵، ص ۷۰ و ۱۴۶؛ صحیح البخاری، ج ۷، ص ۲۳ باب العین حق؛ صحیح مسلم، ج ۷، ص ۱۳؛ سنن ابن ماجه، ج ۲، ص ۱۱۵۹؛ سنن أبی داود، ج ۲، ص ۲۲۴ باب ما جاء فی العین؛ سنن الترمذی، ج ۳، ص ۲۶۸ باب ما جاء أنَّ العین حق و الغسل لها؛ السنن الکبری للنسائی، ج ۴، ص ۳۸۰ باب العین؛ طب الأئمة لابن سبطام التیسابوری، ص ۱۲۱ باب عوذة للعین؛ المستدرک علی الصحیحین للحاکم، ج ۴، ص ۲۱۵؛ السنن الکبری للبیهقی، ج ۹، ص ۳۵۱ باب الإستغسال للمعین؛ مکارم الأخلاق للطبرسی، ص ۳۸۶.

از مصائب است و با این وصف، جز با اذن خداوند نمی‌رسد و مراد از اذن خداوند برای مصائب، «اذن تشریعی» او نیست، بلکه «اذن تکوینی» او به معنای ایجاد امکان برای آن‌ها در نظام آفرینش و مانع نشدن از آن‌ها پس از ایجاد اسبابشان توسط مردم است، با توجه به اینکه اگر می‌خواست امکانی برای آن‌ها قرار نمی‌داد یا پس از ایجاد اسبابشان توسط مردم مانع از آن‌ها می‌شد و از این رو، فرموده است: **﴿وَمَا أَصَابَكُمْ مِنْ مُصِيبَةٍ فِيمَا كَسَبَتْ أَيْدِيكُمْ وَيَعْفُو عَنْ كَثِيرٍ﴾**^۱؛ «و هر مصیبتی که به شما می‌رسد به سبب چیزی است که دست‌هاتان کسب کرده است و از بسیاری چشم می‌پوشد»، به این معنا که از بسیاری مانع می‌شود تا به مصیبت نینجامند، ولی عدالت او و مصالح عالیه‌ی جهان ایجاب می‌کند که در مجموع اختیار مردم را سلب نکند و به آنان اجازه دهد که مسیر زندگی خود را انتخاب کنند و نتایج اعمالشان را ببینند. بنابراین، چشم زدن دیگران بدون اذن خداوند نیست، همچنانکه قتل، جرح، ضرب و آزار آنان بدون اذن او واقع نمی‌شود، در حالی که همه‌ی این کارها نزد او حرام است.

اما از آیات و روایات دانسته می‌شود که پیشگیری از «چشم‌زخم» توسط چشم‌زننده و کسی که چشم زده می‌شود، ممکن است؛ به این ترتیب که چشم‌زننده از حسادت دوری جوید و هرگاه چیز **﴿عَجَابِ بَرَانْگِیزِی در دیگران می‌بیند، آفریدگارش را یاد کند و بزرگ شمارد و بگوید: ﴿مَا شَاءَ اللَّهُ لَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ﴾﴾**^۲؛ «این چیزی است که خداوند خواسته است و هیچ قوتی جز به سبب خداوند نیست»؛ چنانکه خداوند به عنوان نمونه فرموده است: **﴿وَلَوْلَا إِذْ دَخَلْتَ جَنَّتَكَ قُلْتَ مَا شَاءَ اللَّهُ لَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ إِنَّ تَرَنِّ أَنَا أَقَلَّ مِنْكَ مَالًا وَوَلَدًا﴾**^۳؛ «چرا هنگامی که به باغ خود داخل شدی نگفتی: ما شاء الله لا قوة إلا بالله اگر می‌بینی که من از تو مال و فرزند کمتری دارم؟! و کسی که می‌ترسد چشم زده شود، تا حدّ ممکن از خودنمایی دوری جوید و مانند قارون نباشد که خداوند درباره‌ی او فرموده است: **﴿فَخَرَجَ عَلَى قَوْمِهِ فِي زِينَتِهِ قَالَ الَّذِينَ يُرِيدُونَ الْحَيَاةَ الدُّنْيَا يَا لَيْتَ لَنَا مِثْلَ مَا أُوتِيَ قَارُونُ إِنَّهُ لَذُو حَظٍّ عَظِيمٍ﴾**^۴؛ «پس در زینت خود به میان قومش بیرون شد، کسانی که زندگی دنیا را می‌خواهند گفتند ای کاش برای ما هم چیزی بود که به قارون داده شد، او به راستی دارای بهره‌ای عظیم است» و مانند پسران یعقوب علیه السلام باشد که خداوند درباره‌ی آنان فرموده است: **﴿وَقَالَ يَا بَنِيَّ لَا تَدْخُلُوا مِنْ بَابٍ وَاحِدٍ وَادْخُلُوا مِنْ أَبْوَابٍ مُتَفَرِّقَةٍ وَمَا أُغْنِي عَنْكُمْ مِنَ اللَّهِ مِنْ شَيْءٍ إِنْ الْحُكْمَ إِلَّا لِلَّهِ عَلَيْهِ تَوَكَّلْتُ وَعَلَيْهِ فَلْيَتَوَكَّلِ الْمُتَوَكِّلُونَ﴾**^۵؛ «و گفت ای پسران من! همگی از یک دروازه وارد نشوید (که توجه دیگران را به خود جلب کنید) و از دروازه‌های مختلف وارد شوید و من شما را از خداوند درباره‌ی چیزی بی‌نیاز نمی‌کنم، حکم تنها برای خداوند است، بر او توکل می‌کنم و توکل کنندگان باید بر او توکل کنند» و خداوند را بسیار یاد کند و بر نعمتی که به او داده است سپاس گزارد و مانند قارون نباشد که

۱. الشوری / ۳۰

۲. الکهف / ۳۹

۳. القصص / ۷۹

۴. یوسف / ۶۷

خداوند درباره‌ی او فرموده است: ﴿قَالَ إِنَّمَا أُوتِيتُهُ عَلَىٰ عِلْمٍ عِنْدِي﴾؛ «گفت جز این نیست که آن را با علمی از پیش خودم به دست آورده‌ام» و سپس از شرّ حاسدان به خداوند پناه برد؛ چنانکه خداوند فرموده است: ﴿قُلْ أَعُوذُ بِرَبِّ الْفَلَقِ ۝ مِنْ شَرِّ مَا خَلَقَ ۝ وَمِنْ شَرِّ غَاسِقٍ إِذَا وَقَبَ ۝ وَمِنْ شَرِّ النَّفَّاثَاتِ فِي الْعُقَدِ ۝ وَمِنْ شَرِّ حَاسِدٍ إِذَا حَسَدَ﴾؛ «بگو به پروردگار سپیده‌ی صبح پناه می‌برم از شرّ چیزی که آفریده است و از شرّ هر تاریکی هنگامی که فرا می‌گیرد و از شرّ زنان افسونگر که در گره‌ها می‌دمند و از شرّ هر حاسدی هنگامی که حسادت می‌کند» و مانند مشرکان نباشد که سنگی را به خود می‌بندند و می‌پندارند که آنان را حفظ می‌کند، در حالی که آن قادر به حفظ چیزی نیست؛ چنانکه یکی از یارانمان ما را خبر داد، گفت:

«رَأَى الْمَنْصُورَ حَجَرًا فِي عُنُقِ رَجُلٍ فَقَالَ لَهُ: مَا هَذَا؟! قَالَ: حَجَرٌ يَدْفَعُ عَنِّي الْبَلَاءَ! فَأَخَذَهُ مِنْ عُنُقِهِ وَالْقَاهُ فِي النَّهْرِ ثُمَّ قَالَ: مَا دَفَعَ عَن نَفْسِهِ الْبَلَاءَ فَكَيْفَ يَدْفَعُهُ عَنْكَ؟! تَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ وَكَفَى بِاللَّهِ وَكِيلًا»؛ «منصور سنگی را بر گردن مردی دید، پس به او فرمود: این چیست؟ گفت: سنگی است که بلا را از من دفع می‌کند! پس آن را از گردن او گرفت و در جوی انداخت و سپس فرمود: بلا را از خودش دفع نکرد، پس چگونه از تو دفعش می‌کند؟! بر خدا توکل کن که خدا به عنوان مدافع کافی است».

اما آیا برای درمان کسی که چشم زده شده است راهکاری افزون بر دعا و معالجات عادی وجود دارد؟ روایات فراوانی با این مضمون رسیده است که اگر چشم‌زننده از آبی وضو بگیرد یا دست و روی و پای خود را در آن بشوید و سپس از آن بر روی کسی که چشم زده شده است ریخته شود یا او از آن وضو بگیرد، به او سود می‌رساند و چه بسا او را درمان می‌کند ان شاء الله^۴ و این چیزی است که عقلاً محال نیست و اگر کسی -با توجه به روایات مذکور- از روی رجاء انجام دهد، اشکالی ندارد.



تاریخ: ۱۴۰۰/۴/۷

نویسنده: رضوان

پرسش فرعی ۱

آیا همراه داشتن دعا یا حرز یا سوره‌هایی از قرآن که برای حفظ از چشم‌زخم خوب است، اشکالی دارد؟ اگر اشکالی ندارد، کدام‌ها خوب است که با خود داشته باشیم؟ آن‌ها به صورت نوشته شده روی کاغذ یا پوست حیوان است. از توضیحات شما سپاسگزارم.

۱. القصص / ۷۸

۲. الفلق / ۱-۵

۳. گفتار ۱۶۸، فقره‌ی ۱

۴. نگاه کنید به: سنن الترمذی، ج ۳، ص ۲۶۸ باب ما جاء أن العين حق و الغسل لها؛ السنن الكبرى للبيهقي، ج ۹، ص ۳۵۱ باب الإستغسال للمعين.



تاریخ: ۱۴۰۰/۴/۱۸

پاسخ به پرسشی فرعی ۱

به خود بستن یا با خود داشتن اشیاء برای دفع بلا، از خرافات جاهلیت است که در اسلام شدیداً نکوهش شده؛ چنانکه در روایتی آمده است: «أَنَّ عَشْرَةَ أَتَوْا رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ يُبَايِعُونَ، فَبَايَعَ تِسْعَةً وَأَمْسَكَ عَنْ وَاحِدٍ، فَقَالُوا: يَا رَسُولَ اللَّهِ، بَايَعْتَ تِسْعَةً وَتَرَكْتَ هَذَا؟ قَالَ: إِنَّ عَلَيْهِ تَمِيمَةً، فَأَدْخَلَ يَدَهُ فَقَطَعَهَا، فَبَايَعَهُ، وَقَالَ: مَنْ عَلَّقَ تَمِيمَةً فَقَدْ أَشْرَكَ»^۱؛ «ده نفر به نزد رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم آمدند تا با او بیعت کنند، پس بیعت نه نفر از آنان را پذیرفت و بیعت یکی را نپذیرفت، پس گفتند: ای رسول خدا! چرا بیعت نه نفر را پذیرفتی و بیعت این را نپذیرفتی؟ فرمود: برای اینکه او آویزی (برای دفع بلا) بر خود دارد، پس او دست خود را دراز کرد و آن را برید، پس رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم بیعت او را پذیرفت و فرمود: هر کس آویزی (برای دفع بلا) بر خود بیاویزد، مشرک شده است». از این رو، در حکمتی از علامه منصور هاشمی خراسانی حفظه الله تعالی آمده است: «إِيَّاكُمْ وَهَذِهِ التَّمَائِمُ؛ فَإِنَّهَا بَقِيَّةٌ مِنَ الْأَوْثَانِ»^۲؛ «از این آویزها بپرهیزید؛ چراکه آنها باقی مانده‌ای از بت‌ها هستند»؛ با توجه به اینکه بت‌ها نیز اشیایی بی جان مانند آنها بودند که به باور مشرکان، شری را دور می‌کردند یا خیری می‌رساندند، در حالی که بر مبنای توحید، تنها خداوند شر را دور می‌کند و خیر می‌رساند و او از وجود چنین تأثیری برای اشیاء بی جان خبر نداده است.

همچنین، شکی نیست که به خود بستن یا با خود داشتن کلمات و عبارات نامفهوم، یا کلمات و عباراتی که معنایی مخالف با آموزه‌های اسلام دارند، یا کلمات و عباراتی که برای یاری خواستن از کسی جز خداوند نوشته شده‌اند، همین حکم را دارد، بلکه مشرکانه‌تر است، ولی آیا به خود بستن یا با خود داشتن آیاتی از قرآن یا دعا‌های صحیحی که از پیامبر یا اهل بیت او رسیده است نیز همین حکم را دارد؟ در این باره میان علما اختلاف است. برخی‌شان آن را نیز ناروا دانسته‌اند؛ مانند عبد الله بن مسعود که از او نقل شده است: «أَنَّهُ كَرِهَ تَغْلِيقَ شَيْءٍ مِنَ الْقُرْآنِ»^۳؛ «آویختن چیزی از قرآن را نمی‌پسندید» و ابراهیم نخعی که این را نظر صحابه دانسته و گفته است: «كَانُوا يَكْرَهُونَ التَّمَائِمَ كُلَّهَا مِنَ الْقُرْآنِ وَغَيْرِ الْقُرْآنِ»^۴؛ «آنان هیچ یک از آویزها را نمی‌پسندیدند، از قرآن باشد یا از غیر قرآن»؛ با این استدلال که روایات رسیده در نهی از به خود بستن یا با خود داشتن اشیاء برای دفع بلا، عام و مطلق است و شامل آیات قرآن و دعا‌های صحیح نیز می‌شود.

۱. مسند أحمد، ج ۲۸، ص ۶۳۷؛ مسند الحارث، ج ۲، ص ۶۰۰؛ المعجم الكبير للطبراني، ج ۱۷، ص ۳۱۹؛ المستدرک علی الصحيحین للحاکم، ج ۴، ص ۲۴۳
۲. گفتار ۱۶۸، فقره ۲
۳. مصنف ابن أبي شيبة، ج ۵، ص ۲۵
۴. فضائل القرآن للقاسم بن سلام، ص ۳۸۲؛ مصنف ابن أبي شيبة، ج ۵، ص ۳۶

به علاوه، به خود بستن یا با خود داشتن آیات قرآن و دعا‌های صحیح، با توجه به حالات متفاوتی که برای انسان پیش می‌آید، مظنه‌ی بی‌احترامی به آن‌هاست، ولی برخی دیگر از علما آن را روا دانسته‌اند؛ مانند انس بن مالک که تعویذی از قرآن را بر فرزند خود می‌آویخت؛ چنانکه از ابن شهاب روایت شده است: «دَخَلْتُ عَلَى أَنَسِ بْنِ مَالِكٍ، فَرَأَيْتُهُ يُعَلِّقُ التَّعْوِذَ عَلَى ابْنِ لَهُ، فَقُلْتُ لَهُ: يَا أَبَا حَمْرَةَ، هَلْ نَزَلَ بِهِ بَلَاءٌ؟ قَالَ: لَا، ثُمَّ ضَرَبَ بِيَدِهِ عَلَى مَنْكِبِي، فَقَالَ: يَا أَبَا بَكْرٍ، سَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ يَقُولُ: لَا بَأْسَ بِتَغْلِيقِ التَّعْوِذِ مِنَ الْقُرْآنِ قَبْلَ نَزُولِ الْبَلَاءِ وَبَعْدَ نَزُولِ الْبَلَاءِ»^۱؛ «بر انس بن مالک وارد شدم، پس دیدم که بر پسرش تعویذ می‌آویزد، پس به او گفتم: ای ابا حمزه! آیا بلایی بر او نازل شده است؟ گفت: نه، سپس با دست به شانه‌ی من زد و گفت: ای ابا بکر! شنیدم رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم می‌فرماید: آویختن تعویذ از قرآن قبل نزول بلا و بعد نزول بلا اشکالی ندارد» و مانند عبد الله بن عمرو بن عاص که دعایی از رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم را به فرزندان بالغش می‌آموخت تا بخوانند و برای فرزندان کوچکش که نمی‌توانستند بخوانند، می‌نوشت و بر آنان می‌آویخت^۲ و مانند سعید بن جبیر و مجاهد که برای مردم تعویذ می‌نوشتند تا با خود داشته باشند یا بر خود بیاویزند^۳ و مانند سعید بن مسیب، عطاء، ابن سیرین و ضحاک که چنین کاری را بدون اشکال می‌دانستند^۴ و مانند مالک که گفته است: «لَا بَأْسَ بِتَغْلِيقِ الْكُتُبِ الَّتِي فِيهَا أَسْمَاءُ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ عَلَى أَغْنَاكِ الْمَرْضَى عَلَى وَجْهِ التَّبَرُّكِ بِهَا»^۵؛ «آویختن نوشته‌هایی که در آن‌ها اسماء خداوند است بر گردن بیماران از باب تبرک به آن‌ها اشکالی ندارد»؛ با این استدلال که روایات رسیده در نهی از به خود بستن یا با خود داشتن اشیاء برای دفع بلا، عام و مطلق نیست، بل ناظر و منصرف به اشیائی جز آیات قرآن و دعا‌های صحیح است که در میان مشرکان و عوام خرافاتی معمول بوده است؛ زیرا کسی که آیات قرآن و دعا‌های صحیح را به خود می‌بندد یا با خود نگاه می‌دارد، پيرو خرافات نیست، بلکه به خداوند توجه دارد و به چیزی که او نازل کرده یا پیامبرش تعلیم داده است تبرک می‌جوید و این اشکالی ندارد. برای جلوگیری از بی‌احترامی به آیات قرآن و دعا‌های صحیح نیز کافی است که آن‌ها را در حال جنابت، حیض و قضاء حاجت از خود جدا کند،

۱. فضائل القرآن للمستغفری، ج ۱، ص ۲۲۵

۲. مصنف ابن أبي شيبة، ج ۵، ص ۴۴؛ مسند أحمد، ج ۱۱، ص ۲۹۶؛ خلق أفعال العباد للبخاري، ص ۹۶؛ سنن أبي داود، ج ۴، ص ۱۲؛ سنن الترمذي، ج ۵، ص ۵۴۱؛ النفقة على العيال لابن أبي الدنيا، ج ۲، ص ۸۶۱؛ الفوائد الشهيرة بالغيلانيات لأبي بكر الشافعي، ج ۱، ص ۴۹۴؛ عمل اليوم والليلة لابن السني، ص ۶۷۴؛ معجم أسامي شيوخ أبي بكر الإسماعيلي، ج ۱، ص ۴۶۲؛ الدعوات الكبير للبيهقي، ج ۲، ص ۲۳۸؛ التمهيد لما في الموطأ من المعاني والأسانيد لابن عبد البر، ج ۲، ص ۱۱۰

۳. تفسير القرآن من الجامع لابن وهب، ج ۳، ص ۳۸؛ مصنف ابن أبي شيبة، ج ۵، ص ۴۰ و ۴۴؛ النفقة على العيال لابن أبي الدنيا، ج ۲، ص ۸۶۸

۴. مصنف عبد الرزاق، ج ۱، ص ۳۴۵؛ مصنف ابن أبي شيبة، ج ۵، ص ۴۳ و ۴۴؛ النفقة على العيال لابن أبي الدنيا، ج ۲، ص ۸۶۴؛ فضائل القرآن للمستغفری، ج ۱، ص ۲۲۳

۵. التمهيد لما في الموطأ من المعاني والأسانيد لابن عبد البر، ج ۱۷، ص ۱۶۱؛ المسالك في شرح موطأ مالك لابن العربي، ج ۷، ص ۴۳۲

یا در محفظه‌ای پوشیده و پاک قرار دهد تا با سطح بدن او در تماس نباشد و این نظر صحیحی است که اهل بیت آن را تأیید کرده‌اند؛ چنانکه روایت شده است: «أَنَّ عَلِيًّا عَلَيْهِ السَّلَامُ سُئِلَ عَنِ التَّعْوِيدِ يُعَلَّقُ عَلَى الصَّبْيَانِ، فَقَالَ: عَلِّقُوا مَا شِئْتُمْ إِذَا كَانَ فِيهِ ذِكْرُ اللَّهِ»^۱؛ «از علی علیه السلام درباره‌ی تعوید پرسیدند که بر کودکان آویخته می‌شود، پس فرمود: هر چه می‌خواهید بیاویزید اگر در آن ذکر خداوند است» و از یونس بن خباب روایت شده است: «سَأَلْتُ أَبَا جَعْفَرٍ عَنِ التَّعْوِيدِ يُعَلَّقُ عَلَى الصَّبْيَانِ، فَرَّخَصَ فِيهِ»^۲؛ «از ابو جعفر (باقر) درباره‌ی تعوید پرسیدم که بر کودکان آویخته می‌شود، پس آن را جایز دانست» و در روایتی دیگر از او آمده است: «اسْتَشْرْتُ أَبَا جَعْفَرٍ مُحَمَّدَ بْنَ عَلِيٍّ فِي تَغْلِيْقِ الْعَادَةِ، قَالَ: نَعَمْ، إِذَا كَانَ مِنْ كِتَابِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ، أَوْ عَنْ كَلَامٍ عَنْ نَبِيِّ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ، وَأَمَرَنِي أَنْ أُسْتَشْفِيَ بِهِ مَا اسْتَطَعْتُ»^۳؛ «با ابو جعفر محمد بن علی (باقر) درباره‌ی آویختن تعوید مشورت کردم، پس فرمود: آری، اگر از کتاب خداوند یا از کلام پیامبر خداوند صلی الله علیه و آله و سلم باشد و من را امر کرد که تا می‌توانم از آن شفا بجویم» و از زرارة بن أعین روایت شده است: «سَأَلْتُ أَبَا جَعْفَرٍ الْبَاقِرَ عَلَيْهِ السَّلَامُ عَنِ الْمَرِيضِ، هَلْ يُعَلَّقُ عَلَيْهِ تَعْوِيدٌ وَشَيْءٌ مِنَ الْقُرْآنِ، قَالَ: نَعَمْ، لَا بَأْسَ بِهِ، إِنَّ قَوَارِعَ الْقُرْآنِ تَنْفَعُ، فَاسْتَعْمِلُوهَا»^۴؛ «از ابو جعفر باقر علیه السلام درباره‌ی مریض پرسیدم که آیا تعوید و چیزی از قرآن بر او آویخته می‌شود؟ فرمود: آری، اشکالی ندارد، آیات کوبنده‌ی قرآن سود می‌رسانند، پس از آن‌ها استفاده کنید» و از اسحاق بن عمار روایت شده است: «عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ فِي الرَّجُلِ تَكُونُ بِهِ الْعِلَّةُ، فَيُكْتَبُ لَهُ الْقُرْآنُ فَيُعَلَّقُ عَلَيْهِ، أَوْ يُكْتَبُ لَهُ فَيَغْسِلُهُ وَيَشْرِبُهُ، قَالَ: لَا بَأْسَ بِهِ كُلَّهُ»^۵؛ «ابو عبد الله (امام جعفر صادق) علیه السلام درباره‌ی مردی که دچار بیماری است، پس قرآن برای او نوشته می‌شود، پس آن را بر خود می‌آویزد، یا برای او نوشته می‌شود، پس آن را می‌شوید و می‌نوشد، فرمود: هیچ یک اشکالی ندارد» و از حلبی روایت شده است: «سَأَلْتُ جَعْفَرَ بْنَ مُحَمَّدٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ، فَقُلْتُ: يَا بَنَ رَسُولِ اللَّهِ، هَلْ نُعَلِّقُ شَيْئًا مِنَ الْقُرْآنِ وَالرَّقَى عَلَى صَبْيَانِنَا وَنِسَائِنَا؟ فَقَالَ: نَعَمْ، إِذَا كَانَ فِي أَدِيمٍ تَلْبَسُهُ الْحَائِضُ، وَإِذَا لَمْ يَكُنْ فِي أَدِيمٍ لَمْ تَلْبَسْهُ الْمَرْأَةُ»^۶؛ «از جعفر بن محمد علیه السلام پرسیدم، پس گفتم: ای پسر رسول خدا! آیا چیزی از قرآن و دعا را بر کودکان و زنان خود بیاویزیم؟ پس فرمود: آری، اگر در پوششی بود زن حائض آن را بپوشد، ولی اگر در پوششی نبود، زن آن را نپوشد» و از معمر بن خلاد روایت شده است: «أَمَرَنِي أَبُو الْحَسَنِ الرِّضَا عَلَيْهِ السَّلَامُ، فَعَمِلْتُ لَهُ دُهْنًا فِيهِ مِسْكٌ وَعَنْبَرٌ، فَأَمَرَنِي أَنْ أَكْتُبَ فِي قِرْطَاسٍ آيَةَ الْكُرْسِيِّ وَأَمَّ الْكِتَابِ وَالْمُعَوِّذَتَيْنِ وَقَوَارِعَ مِنَ الْقُرْآنِ،

۱. قرب الإسناد للحميري، ص ۱۱۰

۲. مصنف ابن أبي شيبة، ج ۵، ص ۴۴؛ النفقة على العيال لابن أبي الدنيا، ج ۲، ص ۸۶۲

۳. النفقة على العيال لابن أبي الدنيا، ج ۲، ص ۸۶۳

۴. طب الأئمة لابني بسطام النيسابوري، ص ۴۸ و ۴۹

۵. طب الأئمة لابني بسطام النيسابوري، ص ۴۹

۶. طب الأئمة لابني بسطام النيسابوري، ص ۴۹



وَأَجْعَلْ بَيْنَ الْعِلَافِ وَالْقَارُورَةِ، فَفَعَلْتُ، ثُمَّ أَتَيْتُهُ بِهِ فَتَغَلَّفَ بِهِ، وَأَنَا أَنْظُرُ إِلَيْهِ»^۱؛ «ابو الحسن رضا علیه السلام من را امر کرد که برایش روغنی تهیه کنم که در آن مشک و عنبر باشد و من را امر کرد که بر روی کاغذی آیه الکرسی و فاتحه و معوذتین (یعنی سوره ی فلق و ناس) و آیات کوبنده ای از قرآن را بنویسم و آن را بین روکش و شیشه قرار دهم، پس این کار را کردم و برایش بردم، پس آن را پوشید، در حالی که من نگاهش می کردم».

بنابراین، به خود بستن یا با خود داشتن آیاتی از قرآن یا دعاها صحیحی که از پیامبر یا اهل بیت اورسیده است، به شرط دور کردن آن ها از خود در حال جنابت، حیض و قضاء حاجت، یا حمل کردن آن ها در محفظه ای پوشیده و پاک به نحوی که با سطح بدن در تماس نباشد، اشکالی ندارد.

اما آیاتی از قرآن که با اذن خداوند می توانند برای دفع بلا و چشم زخم مفید باشند، بسیارند؛ مانند آیات سوره ی فلق و ناس که برای تعویذ نازل شده اند و آیه ای که در آن آمده است: ﴿مَا شَاءَ اللَّهُ لَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ﴾^۲؛ «هر چه خداوند بخواهد، نیرویی جز از خداوند نیست» و آیه ای که در آن آمده است: ﴿إِنِّي أَعُوذُ بِالرَّحْمَنِ مِنْكَ إِنْ كُنْتَ تَقِيًّا﴾^۳؛ «من از تو به خدای مهربان پناه می برم اگر پرهیزکار هستی» و آیاتی که در آن ها آمده است: ﴿رَبِّ أَعُوذُ بِكَ مِنْ هَمَزَاتِ الشَّيَاطِينِ﴾ و ﴿وَأَعُوذُ بِكَ رَبَّ أَنْ يَحْضُرُونِ﴾^۴؛ «پروردگارا! من از القائات شیاطین به تو پناه می آورم و به تو پناه می آورم از اینکه نزد من حاضر شوند» و آیه ای که در آن آمده است: ﴿إِنِّي عُذْتُ بِرَبِّي وَرَبِّكُمْ مِنْ كُلِّ مُتَكَبِّرٍ لَا يُؤْمِنُ بِيَوْمِ الْحِسَابِ﴾^۵؛ «من به پروردگارم و پروردگارتان پناه می برم از هر متکبری که به روز حساب باور ندارد» و آیاتی که در آن ها آمده است: ﴿نَادَى رَبَّهُ أَنِّي مَسْنِي الضُّرِّ وَأَنْتَ أَرْحَمُ الرَّاحِمِينَ﴾ و ﴿فَاسْتَجِبْنَا لَهُ فَكَشَفْنَا مَا بِهِ مِنْ ضُرٍّ وَآتَيْنَاهُ أَهْلَهُ وَمِثْلَهُمْ مَعَهُمْ رَحْمَةً مِنْ عِنْدِنَا وَذَكَّرَى لِلْعَابِدِينَ﴾^۶؛ «پروردگارش را ندا داد که من را آسیب رسیده است و تو مهربان ترین مهربانان هستی، پس او را اجابت کردیم و آسیبی که به او رسیده بود را برطرف نمودیم و خانواده اش و مانند آنان را علاوه بر آنان به او دادیم به عنوان رحمتی از نزد من و مایه ی تذکری برای عابدان» و آیه ای که در آن آمده است: ﴿أَمَّنْ يُجِيبُ الْمُضْطَرَّ إِذَا دَعَاهُ وَيَكْشِفُ السُّوءَ﴾^۷؛ «یا کیست که بی چاره را اجابت می کند هنگامی که او را می خواند و بدی را برطرف می نماید؟» و آیه ای که در آن آمده است: ﴿وَإِذْ يَمْكُرُ بِكَ الَّذِينَ كَفَرُوا لِيُثْبِتُوكَ أَوْ يَقْتُلُوكَ أَوْ يُخْرِجُوكَ وَيَمْكُرُونَ وَيَمْكُرُ اللَّهُ وَاللَّهُ خَيْرُ الْمَاكِرِينَ﴾^۸؛

۱. الکافی للکلینی، ج ۶، ص ۵۱۶

۲. الکهف / ۳۹

۳. مریم / ۱۸

۴. المؤمنون / ۹۷ و ۹۸

۵. غافر / ۲۷

۶. الانبیاء / ۸۳ و ۸۴

۷. النمل / ۶۲

۸. الانفال / ۳۰

«و چون کسانی که کافر شدند نقشه می کشیدند که تو را بگیرند یا بکشند یا بیرون کنند و مکر می کردند، در حالی که خداوند هم مکر می کرد و خداوند بهترین مکرندگان است» و آیه ای که در آن آمده است: ﴿وَإِنْ يُرِيدُوا أَنْ يَخْدَعُوكَ فَإِنَّ حَسْبَكَ اللَّهُ هُوَ الَّذِي أَيَّدَكَ بِنَصْرِهِ وَبِالْمُؤْمِنِينَ﴾؛ «و اگر بخواهند که تو را فریب دهند، بی گمان خداوند برایت کافی است، او کسی است که تو را با یاری خود و با مؤمنان تقویت کرد» و آیه ای که در آن آمده است: ﴿وَالَّذِينَ يَمْكُرُونَ السَّيِّئَاتِ لَهُمْ عَذَابٌ شَدِيدٌ وَمَكْرُ أُولَئِكَ هُوَ يَبُورُ﴾؛ «و کسانی که نقشه می کشند بدی ها را می کشند برایشان عذابی شدید است و نقشه ای آنان به نتیجه نمی رسد» و آیاتی که در آن ها آمده است: ﴿قَالُوا حَسْبُنَا اللَّهُ وَنِعْمَ الْوَكِيلُ ۖ فَانْقَلَبُوا بِنِعْمَةِ مَنِ اللَّهُ وَفَضْلٍ لَمْ يَمَسْسَهُمْ سُوءٌ وَاتَّبَعُوا رِضْوَانَ اللَّهِ وَاللَّهُ ذُو فَضْلٍ عَظِيمٍ﴾؛ «گفتند: خداوند ما را بس است و او بهترین نگاهبان است، پس با نعمت و فضلی از خداوند بازگشتند در حالی که هیچ آسیبی به آنان نرسیده بود و از خشنودی خداوند پیروی کردند و خداوند دارای فضلی عظیم است» و آیه ای که در آن آمده است: ﴿قَالَ اللَّهُ خَيْرَ حَافِظًا وَهُوَ أَزْهَمُ الرَّاحِمِينَ﴾؛ «پس خداوند بهترین حفظ کننده است و او مهربان ترین مهربانان است» و آیاتی دیگر از این قبیل که می توان از آن ها با توجه به تناسب شان با خطرات موجود، برای تعویذ استفاده کرد.

دعاهای معتبری نیز برای دفع بلا و چشم زخم رسیده که هرگاه با درک معانی آن ها و برای تبرک خوانده و نگاه داشته شود، مفید است ان شاء الله؛ مانند دعای رسیده از رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم برای مسافر و برای کسی که از گزیدگی می ترسد: «أَعُوذُ بِكَلِمَاتِ اللَّهِ التَّامَّاتِ مِنْ شَرِّ مَا خَلَقَ»؛ «به کلمات کامل خداوند پناه می برم از شر هر چیزی که خلق کرده است» و دعای رسیده از او برای کسی که وحشت کرده است: «أَعُوذُ بِكَلِمَاتِ اللَّهِ التَّامَّاتِ مِنْ غَضَبِهِ وَشَرِّ عِبَادِهِ، وَمِنْ هَمَزَاتِ الشَّيَاطِينِ وَأَنْ يَخْضَرُونَ»؛ «به کلمات کامل خداوند پناه می برم از غضبش و شر بندگان و از القائنات شیاطین و اینکه نزد حاضر شوند» و دعای رسیده از او برای تعویذ کودکان:

۱. الأنفال / ۶۲

۲. فاطر / ۱۰

۳. آل عمران / ۱۷۳ و ۱۷۴

۴. یوسف / ۶۴

۵. موطأ مالک، ج ۲، ص ۱۲۸ و ۱۵۷؛ احادیث إسماعیل بن جعفر، ص ۳۳۴؛ الآثار لأبي يوسف، ص ۴۱؛ أحادیث عفان بن مسلم، ص ۱۲۸؛ مسند ابن الجعد، ص ۲۴۱؛ مصنف ابن أبي شيبة، ج ۶، ص ۵۳؛ مسند إسحاق بن راهويه، ج ۵، ص ۴۵؛ مسند أحمد، ج ۲۴، ص ۴۷۹، ج ۴، ص ۲۹۰؛ سنن الدارمي، ج ۳، ص ۷۵۳؛ خلق أفعال العباد للبخاري، ص ۹۶؛ صحيح مسلم، ج ۴، ص ۲۰۸؛ سنن ابن ماجه، ج ۲، ص ۱۶۲ و ۱۷۴؛ سنن أبي داود، ج ۴، ص ۱۳؛ سنن الترمذي، ج ۵، ص ۴۸۳ و ۴۹۶؛ مسند البزار، ج ۱۶، ص ۳۲؛ عمل اليوم والليلة للنسائي، ص ۳۹۰؛ مسند أبي يعلى، ج ۱۲، ص ۴۴؛ صحيح ابن خزيمة، ج ۴، ص ۱۵۰؛ الدعاء للطبراني، ص ۱۳۱ و ۲۶۲؛ عمل اليوم والليلة لابن السني، ص ۴۷۵

۶. موطأ مالک، ج ۲، ص ۱۲۸؛ مصنف ابن أبي شيبة، ج ۵، ص ۴۴؛ مسند أحمد، ج ۳۹، ص ۲۵۸؛ خلق أفعال العباد للبخاري، ص ۹۶؛ سنن أبي داود، ج ۴، ص ۱۲؛ سنن الترمذي، ج ۵، ص ۵۴۱؛ عمل اليوم والليلة للنسائي، ص ۴۵۳؛ الدعاء للطبراني، ص ۳۳۳؛ عمل اليوم والليلة لابن السني، ص ۵۹۴؛ المستدرک علی الصحيحین للحاکم، ج ۱، ص ۷۳۳؛ الدعوات الكبير للبيهقي، ج ۱، ص ۵۵۲

﴿فَإِنْ تَوَلَّوْا فَقُلْ حَسْبِيَ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ عَلَيْهِ تَوَكَّلْتُ وَهُوَ رَبُّ الْعَرْشِ الْعَظِيمِ﴾^۱؛

«منصور این دعا را به یاران خود می‌آموخت و به آنان می‌فرمود: هرگاه صبح می‌کنید و هرگاه می‌ترسید بگویید: به نام خداوند بخشاینده‌ی مهربان؛ به نام خداوند که بهترین نام‌هاست؛ به نام خداوند که پروردگار زمین و آسمان است؛ به نام خداوند که با نامش هیچ سمّی و دردی زیانی نمی‌رساند؛ به نام خداوند صبح کرده‌ام و بر خداوند توکل کرده‌ام؛ نام خداوند (را می‌برم) بر جانم و بدنم؛ نام خداوند (را می‌برم) بر عقلم و دینم؛ نام خداوند (را می‌برم) بر خانواده‌ام و مالم؛ نام خداوند (را می‌برم) بر هر چیزی که پروردگارم به من داده است؛ به نام خداوند که با نامش هیچ چیز در زمین یا در آسمان زیانی نمی‌رساند و او شنوای دانا است. خداوند، خداوند پروردگار من است؛ چیزی را با او شریک نمی‌سازم. خداوند بزرگ‌تر است، خداوند بزرگ‌تر و نیرومندتر و مهم‌تر از چیزی است که از آن می‌ترسم و حذر می‌کنم. پناهنده‌ی تو گرامی است و ثنای تو عظیم است و خدایی جز تو نیست. خداوند! من به تو پناه می‌آورم از شرّ نفسم و از شرّ هر شیطان شریر و از شرّ هر حاکم سختگیر و از شرّ هر جبار خیره‌سر و از شرّ هر جنبنده‌ای که تو موی جلوی سرش را در دست داری. به راستی که تو بر طریقه‌ی درستی هستی و به راستی که تو هر چیزی را نگاهبانی. >هرآینه ولی من کسی است که کتاب را نازل کرده و او متولّی صالحان است<، >پس اگر روی برتافتند بگو: خداوند من را کافی است، جز او خدایی نیست، بر او توکل کرده‌ام و او پروردگار عرش عظیم است<».



پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر معصوم‌ها شیخ جعفر سبحانی
مجلس شورای اسلامی

